

تشریف فرمائی اعلیحضرت

به کنگره آمریکا

امیر فیض- حقوقدان

<مدت مدیدی، نطق ها و خطابه ها باورم میشد، تا اینکه فهمیدم همه آنها پوششی برای عمل نکردن است>
(برنارد کوسانز در کتاب جزیره روشنائی)

خبر مسرت بخش ملاقات و گفتگوی اعلیحضرت با نمایندگان کنگره موجب احساس عظمت و والائی ایرانیان با فرهنگ گردید؛ اعلیحضرت در مقام نماد ملی ایرانیان موقعیتی در این برنامه تاریخی از خود ارائه دادند که سفیری از ذات شخصیت ایرانی بود. مبارک ملت با ملیت ایران باد که سر بلندی خود را مدیون سر بلندی و اعتماد بنفس و افتخار اعلیحضرت میدانند.

حاشیه: این آزر دگی قلبی و روحی را چگونه میتوان ناگفته گذاشت که کسانی شخصیت مقتدر اعلیحضرت را در بیان موضوعات و مذاکرات با شخصیت های خارجی تعبیر به بی سوادى و..... میدانند (ردیف نهم کلکسیون فحاشی ها- کارگزار علی فرازنده مرد ۲۰ میلیون طرفدار!)

زهی مردم که از فرط عداوت کورهستند

واما بعد

انسان گرفتار و ناامید و درمانده در هر صدا و یا حرکتی مطلوب خود که نجات است؛ خیال و جستجو میکند و حتی فراموش میکند که این نداها و صداها و گفتنی ها بی سابقه نبوده و بکرات تکرار شده است ولی از آنها بوی نجاتی شنیده نشده است.

انسان ها از صداها برداشتی میکنند که معلوم نیست برداشت آنان با برداشت صاحب صدا هماهنگ باشد.

دزدی که برای فرار از دست مردم فریاد میکند آى دزد، آى دزد، بگيريد، بگيريد... فریاد او برای گرفتار ساختن دزد واقعی نیست برای ایجاد پوشش برای فرار دزد است.

سابقه

هنگامیکه به متن مذاکرات و اظهارات نمایندگان کنگره آمریکا وارد شدم خود را با آن اظهارات آشنا دیدم؛ اول فکر کردم توهم است ولی توهم نبود و حقیقی بود که ماجرای آن در همان سال وقوع؛ سال ۱۳۸۰ یعنی ۱۶ سال قبل بوقوع پیوسته و درسنگر اول اردیبهشت همان سال ۸۰ درج شده است.

خیلی به اختصار و درحالت فشرده اشاراتی به آن دعوت میشود تا امر تشابه بین آن دعوت و دعوت کنونی و مطالب مورد مذاکراه و قول و قرارها آسان و ممکن باشد.

مذاکرات کنگره سال ۸۰ (۲۰۰۱)

انتشارخبر حضور اعلیحضرت درکنگره آمریکا درسال ۱۳۸۰ همانند امروز با شغف و امیدواری بسیاری مواجه شد و میتوان گفت که مسیرفکری مخالفان جمهوری اسلامی را بکلی تغییر داد و بیشتر سلطنت طلبان آنرا به فال افتتاح فصل نوینی درمبارزه بحق خود پنداشتند. بفرمانید به اتفاق به مراتب آن دعوت نگاه کنیم.

خبرحضور اعلیحضرت درکنگره سال ۸۰ بنا براطلاعیه رسمی نمایندگان کنگره آمریکا که مشروح آن بقرار زیر است:

«شاهزاده رضایه یهلولی با نمایندگان بلند پایه کنگره آمریکا دیدار و گفتگوداشته اند؛ این دیدار به دعوت آلتون گالیگی عضو برجسته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا صورت گرفت. دراین دیدار آقای هسترت رئیس مجلس و گری واگرن نماینده نیویورک و عضو برجسته سوکمیسیون امورخاورمیانه و آسیای میانه است شرکت داشتند و موضوع اصلی مذاکره درباره راه دموکراسی درایران بود.

آقای کالیگی گفت: «پس از ۱۱ سپتامبر مردم ایران درحالیکه زمامداران ایران رابه چالش خواندند در تظاهرات خیابانی حمایت خودشان را از آمریکا اعلام داشتند، این مهم است که ایالات متحده هرآنچه میتواند انجام دهد تا خواست مردم ایران رابرای دستیابی به آزادی و دموکراسی درحالی که دولت کنونی ایران امروز در فهرست حامیان تروریست قراردارد»؛ او گفت:

«شاهزاده رضا یهلولی رهبری جنبشی (۱) را علیه آخوند سالاری حاکم بر ایران برعهده گرفته است و وی عدم خشونت و نافرمانی مدنی رابعنوان یک روش مبارزه برگزیده است و ی چندین بار تاکنون با نمایندگان حکومت آمریکا دیدار کرده است تا بتواند آنان رابه خواست مردم ایران برای سکولاریسم و دموکراسی جلب نماید».

کالیگی و اکرن، موافقت کردند که در آینده با بنجامین حلیمین رئیس سوکمیسیون امور بین المللی و دیگر اعضای آن دیداری داشته باشند تا در اینباره به بحث بپردازند که کنگره برای حمایت از حق سرنوشت ایران از کدام وسائل سود بگیرد که بیشترین سازگاری را با این هدف داشته باشد. آقای کالیگی گفت؛ بازگشت به صلح به خاورمیانه حاوی بیشترین سود برای جهانیان است و هرگاه که بتوانیم به مردم ایران یاری برسانیم که بدست خود، آینده خویش را تعیین کنند برامینت ایالات متحده افزوده ایم» (۲)

بیانات اعلیحضرت در همان کنگره سال ۸۰

سطح تفاهم و تعهدی که رهبران کنگره برای دموکراسی و آزادی به عنوان راه حلی پایداربرای ثبات صلح درکشورمن نشان دادند مایه دلگرمی من شد. ایران امروز در گذرگاه سیاسی قرار دارد و مردم ایران هیچ فرصتی از دست ندادند تا خواست خودرابرای سکولاریسم و حق تعیین سرنوشت به جهانیان نشان بدهند؛ متقابلا آنها توقع دارند که جهان نیزبا فرستادن پیامی روشن نشان دهد که درطلب دموکراسی

بامردم ایران همصدا و همراه است، دیدارهایی از این دست چنانکه با رئیس مجلس و نمایندگان گالیگلی و اکرم داشتیم در وزیدن نسیم تغییر در میهن من تاثیری دراز آهنگ خواهد داشت.

مقاله و تشابهات

خلاصه بالا از سنجر اول بهمن ماه سال ۱۳۸۰ استخراج شد تا ملاحظه کنندگان جریان تشریف فرمایی اعلیحضرت در کنگره در این سال (۱۳۹۶ = ۲۰۱۷ = ۲۵۵۶) و اظهارات نمایندگان کنگره و اعلیحضرت براحتی بتواند در مقیاس ارزیابی قرار گیرد.

ارزیابی این تحریر

(۱) ارزیابی این تحریر در تطبیق حضور اعلیحضرت در کنگره آمریکا در ۱۶ سال قبل با حضور



در همین هفته گذشته تنها و تنها یک بارزه تفاوت در آنها هست و آن این است که در ۱۶ سال قبل اعلیحضرت بعنوان رهبر جنبشی علیه آخوند سالاری معرفی شده و در اجلاس اخیر کنگره، اعلیحضرت از سوی آقای جان مک کین، **بعنوان**

رهبر معنوی مردم ایران معرفی شده اند و بغیر از مورد مزبور که برجسته ترین موضوعی است همراه با مفاهیم حقوقی و سیاسی هیچ مورد قابل ملاحظه واجد اثر حقوقی و سیاسی در آن دیده نمیشود.

تفاوت رهبر جنبشی با رهبر معنوی

فکر میکنم همینجا این توضیح لازم باشد که عنوان **<رهبر جنبشی علیه آخوند سالاری>** عنوانی نیست که مختص به اعلیحضرت بوده باشد در آن سالها بسیاری افراد بوده اند که علیه آخوند مبارزه میکردند و خود را هم رهبر مبارزه ضد آخوند میدانستند و اساسا رهبری جنبشی علیه آخوند، با طرح هنری پرشت که مبارزه سیاسی اعلیحضرت را در قالب قانون اساسی و تداوم سلطنت ممنوع ساخته منافاتی نداشته و ندارد. **ولی در اجلاس اخیر کنگره، اعلیحضرت با عنوان رهبر معنوی ملت ایران معرفی شده اند یعنی** **نماد ملت ایران یعنی پرچمدار هویت ایرانی** و در نهایت همان مقامی است که در متمم قانون اساسی محراب سلطنت را شکل داده است تفاوت این دو کاملا معلوم است؛ چرا که دومی تامین کننده مشروعیت مبارزه سلطنت طلبان علیه فرقه تبهکاران غاصب ایران است، و اولی حق مخالفت با جمهوری اسلامی است که از حقوق متعلقه اعلامیه جهانی حقوق بشر است.



سوء تعبیر نگردد، این مقام وموقعیتی که ازسوی مک کین در مورد اعلیحضرت عنوان شده، مخلوق مک کین نیست، مقام مزبور در تاریخ وهویت اقزانی ملت ایران وادیان زرتشت واسلام وبعدها قانون اساسی ملت ایران ایران مقرر شده است ومک کین توجه تازه خود را نسبت به آن به جهانیان اعلام داشته است.

طرح هنری پرشت ورهبر معنوی ملت ایران

رهبر معنوی، در فرهنگ ما ایرانیان کسی است که بر امور غیرمادی عنایت والویت توجه دارد. مردم رابه دستاوردهای صحیح ومعقول دعوت میکند، حس میهن پرستی وعدالت خواهی ودستگیری فرو افتادگان را تجهیز میسازد، هدایت جامعه رابسوی ترقی وتعالی در شاخص اقدامات خود قرار میدهد، نام وعنوانش چون چتری پناهگاه مردم است. احکام وقوانین بنام نامی او صادر میشود. شخصیت وحتى نام چنین شخصیتی قائمه وملات تاریخی وسنتی یگانگی و وحدت ملی واستقلال کشور است.

مفهوم مخالف آن میرسد به آنجا که اگر جای رهبر ملی در جامعه ایرانیان خالی بود از وحدت ویگانگی ایرانیان خبری نخواهد بود، ونبود این ملات اخلاقی وسنتی همه مراتب و ابزار نظم و وحدت ملی را متلاشی میکند که کرده است. در بیست سال قبل یکی از شخصیت های آمریکائی گفت: «رضا پهلوی ۲۰ سال است میخوهد ایرانیان خارج ازکشور را متشکل کند و نتوانسته است».

علت این تشخیص درست، نبودن رضا پهلوی در جایگاه رهبری ملی بوده است که آمریکا با طرح هنری پرشت مانع تحقق آن شده است و نه تنها امروز بلکه سالهای آی هم این انشقاق وعدم هماهنگی و هر که، هرکه بودن فائق بر موقعیت ایرانیان خواهد بود.

در فرهنگ ما ایرانیان همه «من» هستند ولی شاه فقط یکی است این تک بودن همان قائمه رهبر معنوی است که به اسارت وزارت خارجه آمریکا گرفتار آمده است.

هیچ کمکی در حد اجرای طرح مزبور در حفاظت از جمهوری اسلامی موثر نبوده ونیست، زیرا مفسرین جامعه شناسی عقیده دارند که جامعه ایرانی با دو رهبری گردش متعارف دارد یکی آخوند اعظم که رهبر مذهبی و دیگری شاه که رهبر غیرمذهبی ورهبر معنوی است.

خوب مسلم است که وقتی جایگاه یکی از دو قطب رهبری خالی شد و در تطبیق مورد رهبر معنوی جامعه ایران دستخوش سیاست وزارت امور خارجه آمریکا قرار گرفت و با طرح هنری پرشت، آن جایگاه خالی ماند میدان ترکتازی وخود رانی برای رهبر مذهبی بی مانع میگردد که گردیده است.^۱

۱- شخصی ابراز عقیده کرده است که طرح هنری پرشت یک طرح بین المللی است و کسی نمیتواند آنرا لغو کند و آمریکا به تنهایی قادر به برچیدن آن نیست. این شخص سخت در اشتباه است و طرح هنری پرشت همانطور که در ۵۰ برگ نوشته «سلطنت گروگان» و ۱۴-۱۵ مورد پشت بجهه سلطنت گروگان آمده وهمگی در سایت ۱۴۰۰ قابل دیدن است یک طرح آمریکایی و طرح وزارت امور خارجه آمریکا است و ارتباطی به کشور های دیگر ندارد. این شخص طرح هنری پرشت را با برجام اشتباه میکند یا گمان دارد طرح هنری پرشت به مسئله گوادلوپ وصل است. که امروز دیگر اصل طرح گوادلوپ تا حد بسیار، بسیار زیادی زایل شده و از بین رفته است و تنها اثر نامطلوب آن که تروریسم و رژیم آخوندی است بر جای مانده که آنهم بزودی به همت مردم ایران برچیده خواهد شد. ح-ک

شاید بتوان گفت که آمریکا تنها کشوری است که از رهبری معنوی و معنویت رهبری محروم و مردم آن نسبت به آن نا آگاهند.

در فرهنگ ما معنویت، سرمایه تمام نشدنی است، فاقد مسئولیت و بی نیاز از قدرت بدنی و صفات فوق العاده انسانی است؛ رهبریت معنوی عامل بی رقیب برای فرمانداران و فرمان برداری مردم است؛ آنهم در حدی که مردم آنرا در این بیت شاهنامه میخوانند:

چو فرمان یزدان چو فرمان شاه

این روح اطاعت عمومی ناشی از قدرت معنویت رهبری شاه است که نه بر اساس تحصیلات و نه قدرت مادی و نه قدرت بدنی بوجود آمده و مبنای آن سنت کهن تاریخی و الهی بودن این رهبری است. بزرگان تاریخ و ادبیات ما شاه را سر و ملت را به تن تشبیه کرده اند، تن بدون سر چه کاری تواند کرد، چنانکه ۴۰ سال است کاری نتوانسته بکند.

دعوت به داوری

نگاه کنید؛ آیا یک مورد در تمام جهان و نسبت به یک نفر میتوانید پیدا کنید که آن فهرست ۳۴ گانه امید دانا و همدستانش از اتهامات و فحاشی ها را متوجه او کرده باشند؟! اگر پیدا نکردید و نخواهد هم بود برای این است که آن یکنفر، یک فرد نیست رهبر معنوی و تاریخی و نماد ملت و مظهر استقلال و آزادی ملت ایران است. یکی از طرُقی که میتواند به بقای جمهوری اسلامی کمک کند و اصالت طرح هنری پرشت را حفاظت کند همین بی اعتبار کردن و فحاشی به اعلیحضرت است که وقتی در کنار بی حالی و عدم اعتناء و اعتراض عمومی قرار گرفت به حقانیت! طرح هنری پرشت اصالت و امکان فعالیت میدهد.

داوری تحریر

بدهکاری این تحریر، قابل تعویق نیست، که تاچه حد ما سلطنت طلبان حداقل بنده از موقعیت تاریخی و حق سنتی خود سقوط کرده ایم که آقای مک کین با آن سابقه دشمنی خاص با ایران و آن حمایت ها از فرقه مجاهدین وقتی از عنوان رهبری معنویت برای اعلیحضرت استفاده میکند ما به شوق کشیده میشویم؛ آنهم تا حدی که بخشی از تحریر را فقط به همان عنوان تخصیص میدهیم؛ آیا در سال ۵۹ و حتی دهه ۶۰ هم این افول بود؟ آیا دشوار است علت این افول را دریابید؟ آیا نمیتوانید غول طرح هنری پرشت را در مقابل ببینید؟؟^۲

انگیزه این اشارات

این اشارات بدین منظور در این تحریر آمد تا بدانیم طرح هنری پرشت تنها موقعیت سیاسی ولیعهد ایران را در قبضه تحریم سیاسی و ممنوعیت قرار نداده است بلکه قدرت معنویت رهبری ملت ایران را نیز به

۲- شوربختانه نه تنها کسان زیادی آنرا نمی بینند بلکه درک درستی از وضعیت سیاسی ندارند که هیچ در جهت حفظ طرح هنری پرشت و در نتیجه آن حفظ فرقه تبهکاران (جمهوری اسلامی) فحش نامه ها و گمراه نامه ها و لفافه نویسی و دو پهلو نویسی پراکنده کرده و تهمت های تازه به اعلیحضرت نماد ملی ایرانیان میزنند. آنگاه که مورد خطاب قرار میگیرند خودشان را هم به کوچه علی چپ می زنند. ح-ک

اسارت و محرومیت کشیده است؛ کاری که شباهتی بسیار ضعیف با دلائلی لاما، دارد که آنهم برای مدت کوتاهی بود آنهم نه از جانب آمریکای مدعی دموکراسی و آزادی خواهی.

دیروز خبری خواندم که فرزند سرهنگ قذافی که به اعدام محکوم شده بود و بعد تبدیل به حبس ابد شد از زندان آزاد شد؛ **چرا باید ۴۰ سال این کینه شتری آمریکا نسبت به ولیعهد ایران همچنان ادامه یابد؟؟**



نقد بیانات اخیر اعلیحضرت در کنگره آمریکا

نخستین مطلب حائز اهمیت، محور اصلی مذاکرات در اجلاس مشترک اخیر اعلیحضرت و برخی از سناتورها مسئله کمک به مبارزات ایرانیان است.

انسان غافل و بدور از سابقه سیاسی مبارزه و نقش آمریکا وقتی با چنین مذاکرات و اجلاسی روبرو میشود دریافتی دارد که بکل با سابقه و اسناد موجود، ناهماهنگ است؛ و اینجاست که بفکر میرود که آیا آمریکا و سناتورهای آن کشور از سوابق امر کمک به مخالفان جمهوری اسلامی بی خبرند و یا با خبرند ولی آنچه میگذرد مصداق این بیت مولوی است که گفته است:

این بسوزد، آن بسوزد ای عجب نعل معکوس است در راه طلب

ترکمانا، نعل را وارونه زن تاشان سُم اسبت گم کنند

اشاره به سوابق کمک

*** توجه به اولین گفتگوی اعضای کنگره آمریکا و اعلیحضرت که در ابتدای این تحریر به آن اشاره شد از نظر حقوقی بیان موضع ایجاب و قبول است؛ یعنی خواست های اعلیحضرت مبنی بر ثبات صلح در ایران و اسقرار سکولاریسم، ایجابی است که با قبول طرف های مذاکره روبرو شده است و در معنا، عقدی است که در سال ۱۳۸۰ منعقد شده است؛ و علی القاعده عقد روی عقد نسبت به یک موضوع مشخص یا طرف های معلوم امری مبتدل است مگر هدف غیر آن باشد که از نفس عقد برمیآید.

*** ولی این همه داستان کمک به مخالفان جمهوری اسلامی همان عقد ذکر شده نیست؛ اسناد نشان میدهد که آقای کریستوفر وزیر خارجه آمریکا در تاریخ ۲۹ جون سال ۱۹۹۳ در برنامه لری کینگ لایو (سی ان ان) با صراحت کامل گفت:

«جمهوری اسلامی ریشه همه گرفتاریهای تروریستی جهان است؛ و آمریکا در صدد آن برآمده تا با حمایت از گروه های طرفدار دموکراسی در ایران یک تحول اساسی در ایران بوجود بیاورد ما در ایران با گروهی تروریست پرور روبرو هستیم بارها بطور مستقیم و غیرمستقیم به سران حکومت پیام داده ایم که

بهتر است به آغوش خانواده جهانی بازگردید از اعمال تروریستی دست بردارید؛ اما آنها هربار بجای پاسخ مثبت به پیام های ما بردامنه اقدامات تروریستی خود افزوده اند. او گفت: «آمریکا گروه های آزادیخواه و دمکرات حمایت میکند تا بتوانند رژیم ایران را عوض کرده حکومت آزادی و قانون را به ایران بازگردانند» (پایان) (نقل از سنگراول بهمن ماه سال ۱۳۸۰)

جریان فوق مربوط به ۸ سال قبل از اجلاس مشترک اعلیحضرت در کنگره اول آمریکا است؛ که میتوان گفت اظهارات وزیر خارجه آمریکا مربوط به ۲۴ سال قبل است.

❁❁ قضیه به اظهارات آقای کریسوفر هم ختم نمیشود - آقای ریگان در نوامبر سال ۱۹۸۸ در شورای جهانی لوس آنجلس سخنرانی کرد این محل همانجایی است که اعلیحضرت هم در آنجا سخنرانی فرموده اند.

آقای ریگان مورد این سوال قرار گرفت که «در بسیاری از محافل از پادشاه جوان ایران به عنوان جایگزین رژیم فعلی ایران یاد میشود در این باره چه فکرمیکنید؟»

آقای ریگان پاسخ داد: «ما از نظر استقرار دمکراسی در کلیه کشورهای جهان پشتیبانی میکنیم و اگر بعد از خمینی یک نظام آزاد و دمکرات قدرت را بدست بگیرد آمریکا قطعا چنین حکومتی را مورد تائید قرار خواهد داد» (مشروح در کیهان لندن شماره ۲۲۵)

❁❁ در یک اقدام بیسابقه ۱۸۶ نماینده کنگره آمریکا خواهان براندازی جمهوری اسلامی شدند؛ آن ۱۸۶ نماینده آمریکا گفتند با رفتن خمینی (مرگ) از دولت کشور خود خواستند که بجای دل بستن به معامله و کنار آمدن با جمهوری اسلامی به مخالفان رژیم کمک کنند تا حکومت معقول تری در ایران روی کار بیاید.

نمایندگان کنگره که ۶۵ نفر از دمکرات ها و ۱۲۱ نفر از جمهوریخواهان بودند در نامه ای از جیمز بیکر وزیر خارجه وقت آمریکا خواستند که با مسائل ایران با استحکام روبرو شوند و این توهم را از میان بردارند که یک دسته میانه رو برای اداره ایران ظهور خواهد یافت.

(مشروح در کیهان لندن ۲۶۸)

جریان بالا آنقدر در محافل سیاسی ایران جدی تلقی شد که کروی که آنزمان رئیس مجلس اسلامی بود گفت آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی مصمم شده و این نتیجه جبهه گیری ما علیه آمریکاست.

(نقل از همان کیهان لندن)

آموزنده است توجه فرمائید

خواست ۱۸۰ نماینده کنگره آمریکا که با علامت برجسته نشان داده شده دقیقا همان خواست اعلیحضرت است که حدود سی سال است تکرار شده که آمریکا بجای گفتگو و معامله با جمهوری اسلامی به مردم

ایران رجوع کند. به این قسمت از بیانات اعلیحضرت که مربوط به سال ۶۶ است توجه کنید تا بدانید که آمریکائی ها تاچه اندازه با منویات سیاسی ما ملت بازی فریب میدهند.

«امید وارم که امروز دیگر آمریکائی ها و دیگران دریافته باشند در این رژیم به اصطلاح میانه رو وجود ندارد و نه این رژیم قابل اصلاح و میانه روشن است. مرکز و منشأ تمام گرفتاری ها و مصیبت های داخل و خارج ایران تنها موجودیت جمهوری اسلامی است و تا این رژیم وجود دارد، سعی در بازداشتن آن از جنگ افروزی بی فایده است؛ اگر کشورها و دولتها میخواهند به امنیت خلیج فارس و صلح و آرامش را در جهان حفظ کنند بهتر است بملت ایران کمک کنند تا شر این رژیم را از سر خود بکنند و همه راحت شوند»
(بیانات اعلیحضرت در جنوب فرانسه بسال ۶۶)

عبارت برجسته در بیانات اعلیحضرت کاملا آشناست و همان است که بکرات از جانب روسای جمهوری آمریکا حتی همین آقای ترامپ و وزیر خارجه اش بیان شده است.

قانون بی ثبات کردن ایران

در سال ۱۳۷۴ قانونی در کنگره آمریکا بتصویت رسید که نامش قانون بی ثبات کردن ایران است سناتور کینگریج پیشنهاد دهنده این طرح بود که با بودجه ۲۰ میلیون دلار بتصویب رسید (۲۸ سال قبل)

طرح آزادی ایران و حمایت از اپوزیسیون

طرح آزادی ایران از سوی دو سناتور جمهوریخواه از ایالت پنسلوانیا زیر عنوان آزادی ایران و حمایت از اپوزیسیون در سال ۲۰۰۴ به کنگره آمریکا تسلیم شد که علنا خواستار تغییر رژیم جمهوری اسلامی شدند؛ بودجه مقدماتی طرح ۲۰ میلیون دلار از محل طرح مشارکت خاورمیانه و صندوق ملی برای دموکراسی قابل تامین بود مشمولین طرح مزبور که مورد حمایت آمریکا شناخته شده اند؛ نیروهائی که خواهان دموکراسی هستند و همچنین اپوزیسیون خارج از کشور مشمول این قانون خواهند بود.

✻✻ بیش از ۱۳۰ تن از نمایندگان کنگره آمریکا ضمن نامه ای از مادلین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا خواستند که امکان حمایت و همکاری با اپوزیسیون ایرانی در تبعید را فراهم کند، این عده در همان نامه سیاست آمریکا را برای مذاکره با جمهوری اسلامی محکوم کرده اند.....

(فتوکپی سند خبر در سنگر ۱۵ مرداد ۷۸)-

هدف از ارائه نمونه های بالا

هدف این تحریر از ارائه نمونه های بالا خاصه نمونه های قانونی برای کمک به مخالفان جمهوری اسلامی بدین منظور است که قوانین مصوبه آمریکا در مورد کمک به مخالفان دیگر جای بحثی در اجرای آن باقی نمیگذارد و در مجموع، ادعای این تحریر را به استواری نزدیک میسازد که آمریکا از همان ابتدای پیروزی شورشیان مستقیم و یا غیرمستقیم به اعتبار قانون و یا اقتدارات سازمان سیا به مخالفان جمهوری اسلامی کمک های مادی فراوان کرده اند و گیرندگان کمک هم اقرار و اعتراف نموده اند ولی هدف

از این کمک ها براندازی جمهوری اسلامی بوسیله ایرانیان نبوده است؛ بلکه مواردی از جمله کسب اطلاعات بوده که خود آمریکائی ها به این مورد اعتراف کرده اند. آمریکا به هیچوجه تمایل جدی به براندازی جمهوری اسلامی ندارد و در یک جمله آمریکا از نیروهای مخالف جمهوری اسلامی از جمله سلطنت طلبان استفاده میکند تا هدف و سیاست خود را نسبت به جمهوری اسلامی است جنبه مردمی و حمایت و تانید همگانی بودن بدهد.

باعرض معذرت که این تحریر قدری مفصل شد ادامه آن به فرصت های بعد موکول شود شرمندگی کمتر خواهد بود.